برای داستان جدید «فاطمه دولتی»

لحظات مادلنی، در رمان تاریخی «سر بر دامن ماه»

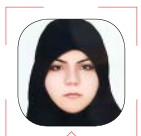

فاطمه‌سادات موسوی
قفسه کتاب

۳۰۰ صفحه را تقسیم بر شش کردم. سهم خوانش هر روز ۵۰ صفحه شد. قرار گذاشتیم با جمعی از دوستان نویسنده‌ام، کتاب را بخوانیم و هم‌افزایی موثرتری رقم بزنیم. اولین گام تشکیل گروه اختصاصی به اسم کتاب در پیام‌رسان ایتا بود. صبح‌ها سهم مطالعه روزانه را می‌خواندیم و پیام صوتی یا متنی می‌گذاشتیم. از صفحات کتاب‌مان که پر از هایلایت و حاشیه‌نویسی شده بود، برای همدیگر عکس می‌گرفتیم. عکس‌ها هم باب گپ و گفت حول محور کتاب «فاطمه دولتی» را باز می‌کرد و هم میل پیشروی را افزون‌تر. هر روز علاوه بر بحث‌های جانبی، روی نقطه خاصی نیز متمرکز می‌شدیم و جست‌وجوی عمیق‌تری را به سرانجام می‌رساندیم.

روز اول

اولین اشتراک جمعی ما جذابیت شخصیت اصلی کتاب بود. بانوحُدَیث، مادربزرگ امام زمان(عج) که بیشترین سهم از رمان را به خودش اختصاص می‌داد. حُدَیث در شرایطی که شیعیان در خفقان و حصر شدیدی به‌سر می‌بردند، به حکم امام حسن عسکری(ع) در زمان حیات، حضرت حجت(عج) به عنوان وصی و جانشین امام عسکری(ع) معرفی شد. مردم دو دسته شده بودند.

اقلیتی که دوستداران امام(ع) بودند و مطیع بانو. اکثریت اما کارشکنی می‌کردند و این‌طور زخم‌زبان می‌زدند. «چه ذلیل شده آل‌علی که زنی باید افسار امورشان را به دست گیرد!» در تاریخ درخشان ۲۵۰ ساله امامان دو بانو در شرایط ویژه‌ای به‌عنوان وصی برگزیده شده بودند، حضرت زینب سلام‌ا... علیها و بانو حُدَیث.

روز دوم

نویسنده دو خط اصلی داستانی را به موازات هم پیش می‌برد. نقاط تلاقی دوخط اصلی بین پل‌های تداعی در رفت‌وبرگشت بود. فلش‌بک‌ها نرم و بی‌سروصدا اشتراکات زمانی حال و گذشته را تامین می‌کرد. اگر عطر اسپند بین خطوط می‌پیچید در گذشته هم با همین عطر خرده‌روایتی بازگو می‌شد. اگر حکیمه خاتون و بانوحدیث در صحنه‌ای درحال گفت‌وگو بودند، در گذشته هم صحنه مشابهی طراحی شده بود. این‌طور می‌توان گفت که دولتی از تکنیک «لحظه مادلن» برای اجرای فرم مناسب بهره می‌گرفت و گسست‌های زمانی را در ذهن مخاطب کنترل می‌کرد. تکنیکی که برای اولین بار مارسل پروست از آن استفاده کرد و مشکل توالی خاطرات در رمان بلند «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» را برطرف کرد.

روز سوم

سومین روز جمع‌خوانی با یک حسرت و تلنگر بزرگ همراه شد. حسرتی بابت بی‌اطلاع بودن از سرگذشت زنان تاثیرگذار مسلمان در طول تاریخ. حسرتی بابت نداشتن رمان‌ها و روایت‌های پرکششی که رسالت‌های مبارکی از جمله روشنگری دارند. دولتی توانست در آخرین کتابش تاریخ را با داستان رقیق کند و به خوردمان بدهد. احادیث با فوت‌وفن نویسندگی آمیخته شده بود و رضایتمندی از شناخت بانوحدیث برای‌مان حاصل شد.

روز چهارم

تقابل قهرمان و ضدقهرمان در رمان، موضوع بحث شد. نویسنده از همان صفحات آغازین تا پایان کتاب، خیر و شر را در تقابل با هم به تصویر کشید. دو کنیز با نام‌های بانوحدیث و جمیله در خانه‌ای زندگی می‌کردند اما سرگذشت کاملا متفاوتی داشتند. کم‌کم جمیله از دوست و همراه نزدیکش حدیث فاصله گرفت. بانوحدیث عروس بنی‌هاشم شد و به عقد امام هادی(ع) درآمد. جمیله نیز سوگلی قصر عباسیان شد و نامش را به قبیحه تغییر داد. حسادت و رذالت‌های انسانی آن دو را به دشمن‌های قسم‌خورده تبدیل کرد. هر دو شخصیت آن‌قدر به هم گره خورده بودند که نویسنده می‌توانست از زورآزمایی و کینه به‌وجود آمده به عنوان عامل پیش‌برنده و جذابیت رمان استفاده کند.

روز پنجم

سند روایات و احادیثی که در کتاب به آنها اشاره شده بود را بررسی کردیم. در بعضی از فصل‌ها خرده‌داستان‌ها و کرامات نقل‌شده شبیه به داستان‌های فانتزی امروزی نشان داده شده بود اما بعد از جست‌وجوی دقیق، در کمال ناباوری به احادیث قابل استنادی برخورد کردیم. نویسنده تحقیق و تعمق طولانی‌مدتی در وقایع تاریخی انجام داده بود، هرچند در برخی از موارد ردپای تخیل هم به چشم می‌آمد. پرداخت کم نویسنده به سرگذشت نرجس‌بانو و حضرت حجت(عج) در کتاب محسوس بود. کم بودن جزئیات و شرح وقایعی که هر شیعه منتظری را به‌وجد می‌آورد.

روز ششم

آخرین روز از جمع‌خوانی به تحلیل شخصیت بانوحدیث پرداختیم. نویسنده قهرمان خود را در موقعیت پرکشمکشی قرار داده بود که می‌توانست آن را یکی از عوامل موفقیت رمان هم در نظر گرفت. در طول ۳۰۰ صفحه با قهرمانی همراه بودیم که در سه سطح درونی، بیرونی و میان‌فردی کشمکش‌های بی‌شماری را تجربه می‌کرد. باز کردن گره‌ها از عوامل همراهی مخاطب تا پایان کتاب بود. بانوحدیث در لایه‌های درونی با خودش و ترس‌هایش در تقابل بود. در لایه بیرونی با نزدیک‌ترین افراد خانواده‌اش که قصد جان وصی و جانشین امام(ع) را داشتند و در لایه میان‌فردی فشارهای بی‌شمار جامعه و خلفای عباسی شرایط را بغرنج‌تر می‌کرد.

بانوحدیث، من و دوستان نویسنده‌ام را به نقطه‌ای پرابهام از تاریخ متصل کرد. نقطه‌ای که بانوی روشنگری، به‌رغم عداوت‌ها عهده‌دار سروسامان بخشیدن به آن بود.

در بعضی از فصل‌ها خرده‌داستان‌ها و کرامات نقل‌شده شبیه به داستان‌های فانتزی امروزی نشان داده شده بود اما بعد از جست‌وجوی دقیق، در کمال ناباوری به احادیث قابل استنادی برخورد کردیم. نویسنده تحقیق و تعمق طولانی‌مدتی در وقایع تاریخی انجام داده بود

برگ سبز، برگ کمپانی و کارت ماشین خودرو **پژو پارس** مدل **۱۳۹۰ خاکستری متالیک** به شماره موتور **12490191622** شماره شاسی **NAAN21CA3BK129298** شماره پلاک **۹۸ ل ۴۲۸ ایران ۷۹** به‌نام اینجانب **محمود ایوبی تبار** مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک دانش آموختگی اینجانب **فاطمه گشتاسبی** فرزند **محمد** به شماره ملی **۴۲۶۰۱۲۲۴۹۵** صادره از **گچساران** در مقطع **کارشناسی رشته مهندسی معماری** صادره از واحد دانشگاهی آزاد **شیراز** به شماره سریال **۳۵۴۳۲۸۰** مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز به نشانی شیراز - کیلومتر ۵ جاده شهر صدرا - پردیس دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

یک عدد کارت دانشجویی به‌نام **مصطفی امامی** به شماره دانشجویی **۹۹۱۱۲۲۰۰۳** مفقود گردیده است. از یابنده درخواست می‌شود با شماره **۰۹۰۱۷۹۲۸۰۱۷** تماس حاصل نماید.

سند کمپانی و برگ سبز **موتورسیکلت ۱۲۵cc** مدل **۱۳۹۰** به رنگ **نقره‌ای** شماره انتظامی **ایران ۶۲۳ - ۲۵۲۱۸** شماره موتور **STATE125N3C910K23355** شماره شاسی **N3C***125F9004269** به‌نام **پارسا رهبری** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو سواری **پژو۴۰۵ GLX** به شماره پلاک **۱۶۷ ق ۵۴ ایران ۴۵** به رنگ **نقره‌ای متالیک** مدل **۱۳۹۵** به شماره موتور **124K0902787** شماره شاسی **NAAM01CE5GK427132** به‌نام **فاطمه شهریاری** با کد ملی **۲۹۸۲۹۵۵۶۰۱** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی و برگ سبز خودرو **پراید** مدل **۱۳۹۱** به رنگ **سفید شیری** به شماره انتظامی **۹۸ ل ۳۹۸ ایران ۹۹** شماره موتور **4747451** شماره شاسی **S1412291149534** به‌نام **سازمان عمران و بهسازی بافت فرسوده شهری ایلیا** مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز خودرو **پژو پارس** مدل **۱۳۹۳** به رنگ **سفید** شماره انتظامی **ایران ۷۷ ۵۲۶ ق۴۲** شماره موتور **124K0595752** شماره شاسی **NAAN01CAE194309** به‌نام **سید جلال مجیدی درچه** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز خودرو **پژو ۲۰۶** مدل **۹۵** به رنگ **قرمز** به شماره پلاک **ایران ۱۰ - ۱۶۶ ب ۱۳** شماره شاسی **J829584** شماره موتور **A0045901** اینجانب **نیایش رحیمی** مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شماره تلفن‌های پذیرش
۴۹۱۰۵۰۰۰
امور آگهی‌های روزنامه جام‌جم

سند **موتورسیکلت ۱۲۵ گوجه‌ای** به شماره انتظامی **۱۴۹ - ۳۵۵۳۲** و شماره موتور **0124N14204418** و شماره شاسی **N14AVPKDAN1B45294** به‌نام **امیر فلاحتی قلعه خلیلی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی مقطع اینجانب **محراب محمودی** فرزند **محمد حسین** به شماره شناسنامه **۴۴۹۰۲۰۹۷۵۴** صادره از **ایلام** در نقطع کاردانی رشته **نقشه کشی معماری** صادره از واحد دانشگاهی **پرند** با شماره **۲۴۶۴۳۷۷** مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند به نشانی: شهر جدید پرند دانشگاه آزاد اسلامی ارسال نماید.

کلیه مدارک (برگ سبز، سند، کارت و کارت سوخت) خودرو سواری **پژو ۴۰۵GLX مشکی متالیک** مدل **۱۳۸۰** به شماره پلاک **۶۳۸ ج ۹۹ ایران ۴۵** به شماره موتور **22527912813** و شماره شاسی **79314719** به‌نام **زهرا عسکری در زبری** با کد **ملی ۳۱۱۰۴۴۵۷۲۷** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.